



ضمیمه ۸a: احکام خدا که به معبد نیاز دارند

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای است که احکام خدا را بررسی می‌کند؛ احکامی که فقط زمانی قابل اطاعت بودند که معبد در اورشلیم برپا بود.

- ضمیمه ۸a: احکام خدا که به معبد نیاز دارند (صفحه کنونی).
- ضمیمه ۸b: قربانی‌ها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸c: اعیاد کتاب مقدسی، چرا هیچ‌یک از آن‌ها امروز قابل اجرا نیست
- ضمیمه ۸d: احکام طهارت، چرا بدون معبد قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸e: دهیک‌ها و نوبرانه‌ها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸f: آیین عشای ربانی، شام آخر عیسی عید فصح بود
- ضمیمه ۸g: احکام نذیر و نذرها، چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸h: اطاعت جزئی و نمادین مرتبط با معبد
- ضمیمه ۸i: صلیب و معبد

مقدمه

از همان آغاز، خدا مقرر کرد که برخی بخش‌های شریعت او فقط در یک مکان مشخص اجرا شوند: معبدی که او برگزید تا نام خود را در آن قرار دهد (تثنیه ۵: ۱۲-۶؛ تثنیه ۱۱: ۱۲). بسیاری از فرایضی که به اسرائیل داده شد — قربانی‌ها، هدایا، آیین‌های طهارت، نذرها، و وظایف کهنات لوی — به یک مذبج واقعی، به کاهنانی از نسل هارون، و به نظامی از طهارت وابسته بود که فقط تا زمانی وجود داشت که معبد برپا بود. هیچ پیامبری و حتی خود عیسی هرگز تعلیم نداد که این فرمان‌ها می‌توانند به جای دیگری منتقل شوند، با شرایط جدید سازگار گردند، یا اعمال نمادین جایگزین شوند، یا به صورت جزئی اطاعت شوند. اطاعت حقیقی همیشه ساده بوده است: یا دقیقاً همان را که خدا فرمان داده انجام می‌دهیم، یا در حال اطاعت نیستیم: «چیزی بر آنچه به شما فرمان

می‌دهم نیفزاید و چیزی از آن کم نکنید؛ بلکه فقط فرمان‌های یهوه خدای خود را که به شما می‌دهم نگاه دارید» (تثنیه ۴:۲). همچنین بنگرید به تثنیه ۱۲:۳۲؛ یوشع ۱:۷).

تغییر در شرایط

پس از **ویرانی معبد اورشلیم** در سال ۷۰ میلادی، شرایط تغییر کرد. نه به این دلیل که شریعت تغییر کرده باشد — شریعت خدا کامل و ابدی باقی می‌ماند — بلکه به این دلیل که عناصری که خدا برای اجرای این فرمان‌های مشخص مقرر کرده بود، دیگر وجود ندارد. وقتی نه معبدی هست، نه مذهبی، نه کاهنان تقدیس‌شده‌ای، و نه خاکسترِ تلیسه‌ سرخ، تکرار آنچه نسل‌های موسی، یوشع، داوود، حزقیا، عزرا و رسولان با وفاداری اطاعت کردند، به معنای واقعی کلمه ناممکن می‌شود. مسئله، بی‌میلی نیست؛ مسئله، ناممکن بودن است. خودِ خدا آن در را بست (مراثی ۷-۲:۶)، و هیچ انسانی اختیار ندارد چیزی دیگر اختراع کند.



نقاشی فرانچسکو هایز که ویرانی معبد دوم را در سال ۷۰ میلادی نشان می‌دهد

خطای اطاعتِ اختراعی یا نمادین

با این حال، بسیاری از جنبش‌ها و گروه‌های مسیحایی که می‌کوشند بخش‌هایی از زندگی اسرائیلی را احیا کنند، شکل‌های کاهش‌یافته، نمادین، یا بازسازی‌شده‌ای از این احکام ساخته‌اند. آن‌ها جشن‌هایی را برگزار می‌کنند که هرگز در تورات فرمان داده نشده است. «تمرین‌های اعیاد» و «ضیافت‌های نبوتی» را ابداع می‌کنند تا جای چیزی را بگیرد که زمانی به قربانی‌ها، کهانت، و مذهبی مقدس نیاز داشت. آن‌ها این ساخته‌ها را «اطاعت» می‌نامند، در

حالی که در واقع فقط اختراعات انسانی‌اند که با زبان کتاب مقدسی آراسته شده‌اند. نیت ممکن است صادقانه به نظر برسد، اما حقیقت تغییر نمی‌کند: وقتی خدا هر جزئیات آنچه را می‌خواست مشخص کرده است، چیزی به نام اطاعت جزئی وجود ندارد.



دیوار غربی، که به «دیوار ندبه» نیز شناخته می‌شود، بازمانده‌ای از معبد اورشلیم است که در سال ۷۰ میلادی به دست رومیان ویران شد.

آیا خدا تلاش‌های ما را برای انجام چیزی که او منع کرده می‌پذیرد؟

یکی از زیان‌بارترین اندیشه‌هایی که امروز رواج دارد این است که گمان می‌شود خدا خشنود است وقتی ما «تمام توان خود را» برای اطاعت از فرمان‌هایی که به معبد وابسته بود به کار می‌گیریم؛ گویی ویرانی معبد برخلاف اراده او رخ داده و ما می‌توانیم با اعمال نمادین، somehow به او آرامش بدهیم. این سوءبرداشتی جدی است. خدا به بداهه‌پردازی‌های ما نیاز ندارد. او به جانشین‌های نمادین ما نیاز ندارد. و او زمانی جلال نمی‌یابد که ما دستورهای دقیق او را نادیده بگیریم تا نسخه‌های خودمان از «اطاعت» را بسازیم. اگر خدا فرمان داده است که برخی احکام فقط در جایی انجام شوند که او برگزیده، با کاهنانی که او منصوب کرده، و بر مذهب‌ی که او تقدیس کرده است (تثنیه ۱۲:۱۳-۱۴)، پس تلاش برای اجرای آن‌ها در جایی دیگر — یا به شکلی دیگر — پرستش نیست؛ نافرمانی است. معبد تصادفی برداشته نشد؛ به حکم خدا برداشته شد. رفتار کردن چنان‌که گویی می‌توانیم چیزی را که خود او معلق کرده دوباره بازسازی کنیم، وفاداری نیست، بلکه جسارت و پیش‌دستی است: «آیا یهوه از قربانی‌های سوختنی و ذبیحه‌ها همان قدر خشنود می‌شود که از اطاعت صدای یهوه؟ اینک، اطاعت بهتر از قربانی است» (اول سموئیل ۱۵:۲۲).

هدف این مجموعه

هدف این مجموعه روشن کردن همین حقیقت است. ما هیچ فرمانی را رد نمی‌کنیم. اهمیتِ معبد را کم‌رنگ نمی‌سازیم. ما انتخاب نمی‌کنیم که کدام احکام را اطاعت کنیم و کدام را نادیده بگیریم. هدف ما این است که دقیقاً نشان دهیم شریعت چه فرمان داده بود، این فرایض در گذشته چگونه اطاعت می‌شد، و چرا امروز قابل اطاعت نیست. ما بدون افزودن، سازگار کردن، یا خلاقیتِ انسانی، به کتاب مقدس وفادار خواهیم ماند (تثنیه ۴:۲؛ تثنیه ۱۲:۳۲؛ یوشع ۱:۷). هر خواننده خواهد فهمید که ناممکن بودنِ امروز، شورش نیست؛ بلکه فقط نبودِ همان ساختاری است که خودِ خدا مقرر کرده بود.

پس، از بنیاد آغاز می‌کنیم: شریعت واقعاً چه فرمان داده بود — و چرا این اطاعت فقط تا زمانی ممکن بود که معبد وجود داشت.